

محمد طبیبیان

اقتصاد از دیدگاه انسانی



نشرنی



انتشارات دانایان

سیری در جهان اندیشه
پیرامون مکنّت و عسرت

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۵
فصل اول: مبانی فلسفی و اخلاقی علم اقتصاد.....	۱۷
تحولات در حوزه اندیشه اقتصادی.....	۲۰
چگونگی سازمان اقتصادی جوامع.....	۲۶
یکم، جامعه به مثابه خانواده.....	۲۶
دوم، جامعه به مثابه قبیله.....	۲۷
سوم، حکومت تأمین‌کننده منابع.....	۲۹
چهارم، سازمان اجتماعی مبتنی بر تولید و مصرف رایگان.....	۳۱
فصل دوم: آشنایی با مفاهیم بنیادین علم اقتصاد.....	۳۳
تقسیم کار و نقش منافع شخصی در سازمان اجتماعی.....	۳۴
تغییر الگوواره اساسی در علم اقتصاد.....	۳۷
مرکانتالیسم چیست؟.....	۳۹
مثال از سیاست‌های فرانسه.....	۴۲
فیزیوکرات‌ها که بودند و چه می‌گفتند؟.....	۴۳
سابقه اندیشه‌های مرکانتالیستی در فرهنگ این سوی جهان.....	۴۶

فصل سوم: آخرین نشست با آدام اسمیت پیرامون بحث رفتار اخلاق و ارزش.....	۴۹
مفاهیم اخلاق متعارف در زمان آدام اسمیت و تلاش برای بازنگری.....	۴۹
نظریه احساسات اخلاقی.....	۵۷
نقش دین و دولت.....	۶۳
رجحان طبیعی غارتگری، نکته‌ای به یادماندنی.....	۶۸
فصل چهارم: دیوید ریکاردو، توماس مالتوس و کارل مارکس.....	۷۱
یکم. دیوید ریکاردو؛ و مسئله توزیع.....	۷۱
اجاره، دستمزد، سود و حالت ایستای روابط اقتصادی.....	۷۶
چگونگی تعیین اجاره یا رانت.....	۷۶
بازده سرمایه؛ ظهور آگاهی از نقش سهم درآمد عوامل در تنش‌های اجتماعی.....	۸۱
تعادل در حالت ایستا.....	۸۶
قانون آهنین دستمزدها.....	۸۸
نظریه امتیازهای مقایسه‌ای در تجارت خارجی.....	۹۰
دوم. توماس مالتوس، رشد جمعیت، محدودیت منابع و فلاکت به ناچار.....	۹۵
سوم. کارل مارکس و سرنوشت محتوم نظام سرمایه‌داری.....	۱۰۳
نیروی کار اجتماعی لازم.....	۱۰۷
قانون تحرک کارکردی (دینامیک) نظام سرمایه‌داری.....	۱۱۰
فصل پنجم: تضارب عصر خرد و عصر سرخوشی (رومانتیسیم)؛.....	۱۱۵
جان استوارت میل.....	۱۱۹
جرمی بنتام، مطلوبیت‌گرایی و مبانی قانون‌گذاری.....	۱۲۸
ویلفردو پارتو و ضابطه پارتو.....	۱۳۴
فصل ششم: آلفرد مارشال.....	۱۳۷
از نظریه پردازی کلی تا تحلیل جزء: نقطه عطفی به نام آلفرد مارشال.....	۱۳۸
تحلیل عرضه و تقاضا.....	۱۳۹
تابع تقاضا.....	۱۳۹
ضریب کشش تقاضا.....	۱۴۲

فهرست مطالب ۷

ضرب کشش عرضه.....	۱۴۶
تعادل بازار.....	۱۴۹
فرض ثابت بودن سایر متغیرها.....	۱۵۱
قیمت و هزینه بازار سیاه.....	۱۵۲
کاربرد مفاهیم عرضه و تقاضا برای سنجش تغییر در سطح رفاه.....	۱۵۴
مازاد مصرف کننده و مازاد تولیدکننده.....	۱۵۶
اثر رفاهی مالیات.....	۱۵۹
آلفرد مارشال و نظریه رابطه مقداری پول و معادله تراز نقدی.....	۱۶۱
فصل هفتم: نئوکلاسیک ها.....	۱۶۹
دستآورد نئوکلاسیک ها.....	۱۷۳
طرف تقاضا.....	۱۷۵
کشف تحلیل نهایی یا تحلیل حاشیه ای.....	۱۷۶
بحثی گذرا؛ تحلیل نهایی چیست؟.....	۱۷۷
سه مثال دیگر برای تصمیم گیری بهینه بر اساس تحلیل نهایی.....	۱۸۲
ورود ریاضی دانان و بحث مطلوبیت نهایی.....	۱۸۴
ویژگی های بارز مکتب نئوکلاسیک.....	۱۸۹
الف) کارایی یا بهینگی پارتو.....	۱۹۱
ب) آیا مطلوبیت مردم از مصرف کالاها و خدمات قابل سنجش است؟.....	۱۹۵
ج) مطلوبیت گرایی و نظریه نئوکلاسیک ها.....	۱۹۶
د) تعادل والرا و قضایای رفاه.....	۱۹۷
حراجی والرا.....	۲۰۲
قانون والرا؛ یکی از معدود قوانین در علم اقتصاد.....	۲۰۳
تاریخچه مختصر اثبات تعادل والرا بعد از او.....	۲۰۷
قضیه اول رفاه.....	۲۰۸
قضیه دوم رفاه.....	۲۰۹
ه) ایروین فیشر و نظریه سرمایه.....	۲۱۱

فصل هشتم: مروری بر تاریخچه و شیوه‌های سنجش فعالیت اقتصادی.....	۲۱۵
نظام حساب‌های ملی امروزی.....	۲۱۹
محاسبه حساب‌های ملی از روش تولید و درآمد.....	۲۱۹
محاسبه ارزش افزوده.....	۲۲۰
حساب‌های ملی از روش هزینه کل.....	۲۲۲
نگاهی به حساب‌های ملی ایران.....	۲۲۵
هزینه کل.....	۲۲۸
کاستی‌های نظام حساب‌های ملی.....	۲۳۰
توزیع درآمد.....	۲۳۱
شاخص قیمت و مقدار.....	۲۳۱
پرسش‌های راهنما برای فهم بهتر ساختار و کارکرد حساب‌های ملی.....	۲۳۳
فصل نهم: کینز و رکود بزرگ (۱).....	۲۳۵
آقای کینز و کلاسیک‌ها.....	۲۳۷
نظام نظری جان مینارد کینز.....	۲۳۹
نظریه ناکافی بودن مصرف.....	۲۴۳
تعارض امساک.....	۲۴۴
ضریب فزاینده مالی.....	۲۴۵
ضریب فزاینده در بودجه متعادل.....	۲۴۶
ساختار اقتصاد از دیدگاه کینز.....	۲۴۸
فصل دهم: کینز و رکود بزرگ (۲).....	۲۵۱
تعادل درآمد، هزینه کل، و تقاضای کل.....	۲۵۱
جان کلام درباره دیدگاه کینز.....	۲۵۴
تقاضا برای پول چیست؟.....	۲۵۸
۱. تقاضای معاملاتی.....	۲۵۹
۲. تقاضای سفته‌بازی.....	۲۵۹
وجه تحلیلی الگوی کینز.....	۲۶۳

۲۶۴	تابع مصرف
۲۶۵	تابع سرمایه‌گذاری
۲۶۶	تعادل مالی نظام اقتصادی
۲۷۰	تعادل بخش پولی در الگوی کلان کینز
۲۷۳	سیاست مالی (بودجه‌ای) یا سیاست پولی؟
۲۷۶	الگوهای کاربردی کلان
۲۸۳	فصل یازدهم: کینز و رکود بزرگ (۳)
۲۸۳	افتراق بین کینز و کینزی‌ها و پایان کار سیاست‌های کینزی
۲۸۶	تلاش برای تکمیل دیدمان نظری کینز — منحنی فیلپس
۲۹۰	تلفیق نئوکلاسیک
۲۹۳	بازخوانی مجدد نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول
۲۹۴	روح حیوانی و پرهیز از سرنوشت الاغ بوریدن
۲۹۷	پایان کار سیاست‌های کینزی‌ها
۳۰۱	فصل دوازدهم: جابه‌جایی تاریخی در دیدمان اقتصاد و سیاست اقتصادی کلان:
۳۰۲	معرفی میلتون فریدمن
۳۰۳	طراحی تجهیزات نظامی با مدل‌های انتخاب مصرف یا سرمایه‌گذاری در اقتصاد
۳۰۴	دستاوردهای پژوهشی
۳۰۹	بررسی تاریخ پول و نهادهای پولی و آموزه‌های آن
۳۱۰	آنچه سیاست پولی نمی‌تواند انجام دهد
۳۱۲	نرخ بهره طبیعی
۳۱۳	قاعده تیلور
۳۱۶	کاری که سیاست پولی می‌تواند انجام دهد
۳۱۸	دو نتیجه پایا از نظریه فریدمن
۳۱۹	تغییر مسیر اقتصادهای غربی از سیاست‌های کینزی به سیاست‌های مکتب پولی
۳۲۱	جمع‌بندی دیدگاه مکتب پولی

فصل سیزدهم: ارزش کالا و ارزش پول؛ جمع‌بندی اجمالی.....	۳۲۳
مسئلهٔ سنجش پدیده‌ها در علم اقتصاد و سایر علوم.....	۳۲۵
دنیای موسوم به دنیای آرو-دبرو.....	۳۲۷
سنجش قیمت‌ها بر حسب واحد وزن طلا.....	۳۳۲
رابطهٔ بین قیمت و ارزش.....	۳۳۳
شرایطی که ارزش با قیمت متفاوت است.....	۳۳۷
وجود انحصار.....	۳۳۷
بازارهای ناقص.....	۳۴۶
اقتصاد اطلاعات.....	۳۴۷
بازار لیموها: مثالی دیگر از قصور بازار.....	۳۵۱
وقتی بازار پاسخ‌گو نیست: نقش دولت در اوضاع بحرانی.....	۳۵۲
آیا ریکاردو و مارکس دربارهٔ ارزش کلاً در اشتباه بودند؟.....	۳۵۲
توسعهٔ پول‌های کاغذی و اعتباری و مسئلهٔ تعریف ارزش پول ملی.....	۳۵۳
ارزش خارجی پول هر کشور.....	۳۵۷
برابری قدرت خرید.....	۳۵۹
نگاهی به تجربهٔ سال‌های گذشتهٔ کشور در پرتو مباحث نظری قیمت.....	۳۵۹
جمع‌بندی اجمالی.....	۳۶۱

فهرست جدول‌ها

- جدول ۴-۱. مثال فرضی درباره تعیین اجاره بر اساس سطوح مختلف مرغوبیت..... ۷۹
- جدول ۴-۲. ارقام فرضی مزیت نسبی دو کشور در تولید و تجارت..... ۹۲
- جدول ۶-۱. نسبت عرضه و قیمت..... ۱۴۵
- جدول ۷-۱. مطلوبیت نهایی مصرف..... ۱۸۰
- جدول ۷-۲. مطلوبیت ناشی از مصرف و مطلوبیت نهایی..... ۱۸۶
- جدول ۸-۱. محاسبه ارزش افزوده برای یک بنگاه فرضی (کشاورز)..... ۲۲۴
- جدول ۸-۲. محاسبه ارزش افزوده برای یک بنگاه فرضی (آسیابان)..... ۲۲۴
- جدول ۸-۳. محاسبه ارزش افزوده برای یک بنگاه فرضی (نانوا)..... ۲۲۵
- جدول ۸-۴. ارزش افزوده گروه‌های اقتصادی به قیمت‌های جاری - میلیارد ریال..... ۲۲۷
- جدول ۸-۵. ارزش افزوده گروه‌های اقتصادی به قیمت‌های ثابت - میلیارد ریال..... ۲۲۹
- جدول ۸-۶. ارقام هزینه ملی برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵..... ۲۳۰
- جدول ۸-۷. مقدار تولید و قیمت کالا در اقتصاد ساده مفروض..... ۲۳۴
- جدول ۸-۸. محاسبه شاخص مقدار به روش پاشه..... ۲۳۴
- جدول ۸-۹. محاسبه شاخص قیمت به روش پاشه..... ۲۳۴
- جدول ۱۳-۱. اطلاعات تولید و هزینه یک بنگاه انحصاری فرضی..... ۳۴۱

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۴. تعیین اجاره بر اساس سطوح مختلف مرغوبیت و بازده زمین ۷۹
- نمودار ۲-۴. نظریه مالتوس درباره تعادل منابع طبیعی و نیاز جمعیت ۹۸
- نمودار ۳-۴. فراوانی سنی جمعیت ایران در سال‌های مختلف ۱۰۱
- نمودار ۱-۶. نمودار تقاضا برای کالای فرضی هنگامی که تقاضا افزایش یافته است ۱۴۰
- نمودار ۲-۶. مثال از تابع عرضه ۱۴۵
- نمودار ۳-۶. تابع عرضه با ضریب کشش یک ۱۴۷
- نمودار ۴-۶. توابع عرضه و تقاضا برای یک کالا و تعادل بازار ۱۵۰
- نمودار ۵-۶. تحمیل سقف قیمت و ایجاد بازار سیاه ۱۵۳
- نمودار ۶-۶. توابع عرضه و تقاضا و مازاد مصرف‌کننده و مازاد تولیدکننده ۱۵۶
- نمودار ۷-۶. تابع عرضه پس از اعمال مالیات بر کالا ۱۶۰
- نمودار ۱-۷. مطلوبیت ناشی از مصرف و مطلوبیت نهایی ۱۸۷
- نمودار ۱-۸. سهم هر بخش از تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ ۲۲۹
- نمودار ۲-۸. میانگین سهم هر یک از اقلام عمده هزینه‌ای از تولید ناخالص داخلی ۲۳۰
- تصویر ۱-۹. تظاهرات همه‌روژه لشکر بیکاران در امریکا در دوره رکود بزرگ ۲۳۸
- تصویر ۲-۹. راه‌پیمایی کارگران بیکار انگلستان در دوران رکود بزرگ ۲۳۹

- نمودار ۱۰-۱. تأثیر اعمال سیاست مالی از طریق افزایش مخارج دولت..... ۲۷۵
- نمودار ۱۰-۲. تأثیر انواع شوک‌های مالیاتی بر درآمد..... ۲۷۹
- نمودار ۱۰-۳. تأثیر شوک پولی بر درآمد..... ۲۸۱
- نمودار ۱۱-۱. منحنی فیلیپس..... ۲۸۹
- نمودار ۱۱-۲. نرخ تورم در آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن از ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۴..... ۲۹۹
- نمودار ۱۱-۳. نرخ بیکاری در آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، آلمان و ژاپن..... ۳۰۰
- نمودار ۱۲-۱. الگوی مصرف بر اساس داده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت..... ۳۰۷
- نمودار ۱۲-۲. افزایش نقدینگی برای جلوگیری از سقوط تولید ملی..... ۳۲۰
- نمودار ۱۳-۱. شرایط اتخاذ تصمیم بهینه انحصارگر بر اساس اطلاعات جدول ۱۳-۱..... ۳۴۲

پیشگفتار

بخشی از مطالب این کتاب پیش از این به صورت پراکنده منتشر شده بود. جناب آقای دکتر حسین عبده تبریزی پیشنهاد کردند که این مطالب به شکلی منسجم‌تر تدوین و در قالب کتابی کامل ارائه شود. این کار به دلایلی با کندی پیش رفت. به‌ویژه در انتخاب محتوا، سازمان‌دهی متن و تعیین حوزه مناسب برای مخاطبان کتاب دچار تردید بودم، چرا که نگارش کتاب درسی با تألیف اثری برای استفاده همگان از نظر ساختار و پرداخت موضوعات تفاوت‌هایی دارد.

اتفاق دیگری موجب شد تا در دو ماه منتهی به آذرماه ۱۴۰۲ با جدیت بیشتری پیگیر تکمیل کتاب در قالب فعلی آن باشم. در فرایند نگارش، متوجه شدم که محتوای موردنظر برای آموزش مقدماتی اقتصاد به نسل جوان در یک مجلد قابل جمع نیست. بنابراین بخشی از مطالب را در این مجموعه گنجاندم و امیدوارم فرصتی برای تألیف مجلد دوم نیز فراهم شود. این کتاب با هدف دسترسی همگان به مفاهیم اقتصادی نگاشته شده است و به همین دلیل رویکرد دوگانه تاریخی و کاربردی در تدوین آن به کار رفته است. با این حال، می‌توان این اثر را همچون کتاب درسی برای آشنایی با مبانی علم اقتصاد نیز به کار گرفت. در تدوین این کتاب تلاش شده است تا حدی از مفاهیم ریاضی دوری شود و توضیحات به گونه‌ای باشد که خواننده ناآشنا با ریاضیات نیز بتواند مفاهیم اصلی را درک کند.

از آقای دکتر حسین عبده تبریزی که در مسیر تدوین کتاب با من همراهی کردند

صمیمانه سپاسگزارم. همچنین قدردان همسرم هستم که در این راه همواره مشوق و پشتیبان من بودند و بی‌خوابی‌ها و تلاش‌های شبانه‌من برای نگارش این کتاب موجب آزار ایشان شد. نسخه اولیه کتاب به صورت فایل پی‌دی‌اف در اختیار عموم قرار گرفته بود. اکنون ویراست دوم آن را با افتخار و با آرزوی آینده‌ای درخشان برای فرزندانم، نوه‌ام و همه جوانان ایران به همسرم تقدیم می‌کنم. در این ویراست، افراد متعددی پیشنهادهای ارزنده‌ای ارائه کردند که تا حد امکان در متن گنجانده شد. در این میان، به‌ویژه از آقای دکتر بهزاد طبیبیان تشکر می‌کنم که کتاب را با دقت خواندند و نظرات سازنده‌ای مطرح کردند. طبیعتاً مسئولیت هر گونه نقص و کاستی باقی مانده بر عهده اینجانب است.

مهر ۱۴۰۴

فصل اول

مبانی فلسفی و اخلاقی علم اقتصاد

در تاریخ مدون بشری، همواره بحث‌هایی پیرامون تدبیر معاش به شیوه‌های گوناگون وجود داشته است. در متون کهن به اشکال مختلف به موضوع تدبیر معاش پرداخته شده است، اما پرداختن به اقتصاد همچون رشته‌ای مستقل و خاص از دانش بشری سابقه‌ای بیش از دویست سال ندارد. علم اقتصاد نتیجه‌ی چارچوبی جدید در تفکر انسان است که از تحولات فکری عصر روشنگری سرچشمه می‌گیرد، تحولی که در قرن هفدهم با طرح مفاهیم جدید و دگرگونی ساختارهای سنتی آغاز شد.

این تحولات ریشه‌های فلسفی و تاریخی خاص خود را دارند. ژوزف شومپتر، اقتصاددان و فیلسوف برجسته‌ی قرن بیستم، در کتاب تأثیرگذار خود با عنوان تاریخ تحلیل اقتصادی با ارائه‌ی شواهدی استدلال می‌کند که علوم اجتماعی ریشه در تحول فکری مشترکی دارند که به نام «حقوق طبیعی» شهرت یافته است.

توماس آکویناس فیلسوف قرن سیزدهم ایتالیا یکی از بنیان‌گذاران اصلی این فلسفه است. او یکی از متفکران کلیسا و پایه‌گذار فلسفه‌ی حقوق طبیعی است. از نظر وی، حقوق طبیعی بر مبنای خلقت الهی است و طبیعت و عقل هر انسان از بدو تولد از آن‌ها برخوردار است. این حقوق را نه تنها قوانین بشری تعیین نمی‌کنند، بلکه با هیچ قانون و ترتیبی از بین‌رفتنی نیستند. این حقوق شامل حق حیات، حق مالکیت، حق امرار معاش، حق تشکیل خانواده و حق پرستش است. به عبارت دیگر، این حقوق

زائل شدنی نیستند و هر گونه تعدی به آن‌ها تجاوز به حوزه اراده الهی تلقی می‌شود. به نظر توماس آکویناس، انسان یگانه موجود زنده‌ای است که خداوند وی را از نعمت عقل بهره‌مند ساخته است. هر چند حقوق طبیعی همیشگی و تغییرناپذیرند، انسان‌ها می‌توانند با استفاده از قوه عقل، در زمان‌ها و اوضاع مختلف، قوانینی برای تنظیم امور اجتماعی خود وضع کنند. این قوانین، بنا به اقتضای زمان و اوضاع، دستخوش تغییر و تحول می‌شوند. او تأکید می‌کند که انسان موظف نیست از قوانینی تبعیت کند که حقوق طبیعی را نقض یا خدشه‌دار می‌کنند، زیرا چنین قوانینی بر خلاف ذات الهی و خلقت انسانی‌اند و نباید آن‌ها را پذیرفت.

این ایده از قرن سیزدهم به تدریج گسترش یافت و کامل شد. ظهور ایده آزادی انسان و قرارداد اجتماعی به عنوان تنها مبنای مشروعیت برای تشکیل سازمان‌های اجتماعی و حکومتی یکی از نخستین نتایج این باور بود که درنهایت به نفی مشروعیت حقوق الهی در حکومت انجامید.

حقوق طبیعی در مقابل حقوق قانونی قرار می‌گیرد. حقوق قانونی از طریق قوانین بشری تدوین و تثبیت می‌شود، در حالی که حقوق طبیعی بر اساس سرشت انسان و مستقل از قوانین بشری شکل می‌گیرد. در عصر روشنگری، یعنی قرون هفدهم و هجدهم میلادی، اندیشمندان به این حقوق توجه نشان دادند و آن را در قالب بخشی از نظریه قرارداد اجتماعی بسط دادند. بر مبنای این درک، نظریه‌هایی سیاسی، مدنی و اجتماعی تدوین و ترویج شدند که به چالش جدی مشروعیت نظام‌های سیاسی آن دوران منتهی شدند.

بهترین تبیین از حقوق طبیعی را جان لاک ارائه داد. او تأکید می‌کرد که حقوق طبیعی انسان شامل برابری، آزادی، حق حیات و حق مالکیت است. فرانسیس هابسون نیز بر این باور بود که محدودیت‌های حیطه قدرت حکومت‌ها را همین حقوق ذاتی و سلب‌ناشدنی تعیین می‌کنند. این مفاهیم بنیادی چارچوبی جدید برای درک حقوق فردی و محدودیت‌های مشروع حکومت‌ها فراهم کردند و نقشی اساسی در توسعه اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مدرن داشتند.

ژوزف شومپتر معتقد است که منبع اصلی کل علوم اجتماعی فلسفه حقوق

طبیعی است. به باور او مفهوم اجتماع، به معنای رایج آن، ابتکار این فلسفه نیست، چرا که در ادبیات و فلسفه یونان باستان، جامعه به معنای حکومت بوده و نه موجودیتی مستقل و دارای اهمیت خاص.

عصر روشنگری یا عصر خرد با رنه دکارت فیلسوف فرانسوی قرن هفدهم آغاز می شود و با امانوئل کانت فیلسوف آلمانی در پایان قرن هجدهم به اوج خود می رسد. دکارت در کتاب روش درست راه بردن عقل این ایده را مطرح می کند که نباید هیچ چیز را پذیرفت، مگر آن که با عقل خود به آن پی برده باشیم. او در این اثر تأثیرگذار فلسفی می کوشد روش درست استفاده از عقل و مراحل آن را، تا جایی که در آن زمان ممکن بوده، تشریح کند. امانوئل کانت نیز در کتاب نقد عقل محض مبانی فلسفی خرد و علوم جدیدی را که تازه پا به عرصه وجود گذاشته بودند بررسی می کند. این گفته که عصر خرد با دکارت آغاز و با کانت پایان می پذیرد به این معنا نیست که بحث درباره عقلانیت و خردورزی پس از آن متوقف می شود، بلکه این تقسیم بندی به منظور برجسته ساختن اهمیت این دو قرن و تأکید بر نقش محوری این دو فیلسوف است، چرا که پس از آن، این مباحث در شاخه های گوناگون به شکل قدرتمندتری ادامه یافتند.

اوج فکری عصر خرد در حوزه های اجتماعی را می توان در اندیشه متفکرانی چون ژان ژاک روسو، مونتسکیو، آدام اسمیت، دیوید ریکاردو و جرمی بنتام مشاهده کرد. این تحول فکری، که در تداوم ایده حقوق طبیعی شکل گرفت، بر اساس تغییر در نوعی چارچوبی فکری ایجاد شد که به بازتعریف جایگاه و کرامت فرد همچون بنیادی ترین واحد جامعه پرداخت. در این چارچوب جدید، هر انسان ارزش و احترام ذاتی دارد و برخوردار از حقوقی است که نمی توان از آن چشم پوشید و آن را فدای تمایلات و جاه طلبی های نظام های سیاسی یا اقتدارهای اجتماعی کرد.

این تغییر تمرکز فکری از حکومت ها و جوامع کل نگر به نگرش فردمحور در ظاهر ساده به نظر می رسد، اما تأثیرات عمیق و شگرفی بر تاریخ بشر داشته است، تغییراتی که جهان صنعتی غرب را بیش از پیش از گذشته تاریخی خود و از سایر جوامع بشری متمایز ساخته است. با محور قرار دادن منزلت، ارزش و اصالت فرد،

نظریه «قرارداد اجتماعی» از ژان ژاک روسو و توماس هابز و ایده‌های مونتهسکیو در کتاب روح القوانين به وجود آمد که بر نقش قانون در تنظیم سازمان سیاسی و روابط اجتماعی تأکید داشت. در این راستا، به مفاهیم حقوق و آزادی‌های اساسی افراد نیز توجه شد و این مفاهیم مبنای نظریه‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی جدید قرار گرفتند. این تغییر رویکرد همزمان بر شکل‌گیری اندیشه‌های اقتصادی نیز تأثیری عمیق گذاشت.

یکی از مهم‌ترین تحولات در اندیشه اقتصادی این دوره تغییر در برداشت از مفهوم ثروت بود. تا پیش از قرن هجدهم، ثروت هر جامعه با ذخایر طلا، نقره و تسلیحات آن سنجیده می‌شد و افزایش ثروت جامعه به معنای افزایش این‌گونه ذخایر بود. فرایندهای تولید ثروت نیز در چارچوب افزایش این کالاهای فیزیکی مانند طلا و نقره و تسلیحات تعریف می‌شد. در نتیجه جایگاه اجتماعی و سیاسی افراد نیز بر اساس نقشی تعیین می‌شد که در این زمینه‌ها ایفا می‌کردند.

این تحول فکری موجب شد اقتصاددانان، به جای تمرکز بر انباشت ثروت فیزیکی، به اهمیت فرایندهای تولید و توزیع کالاها و خدمات توجه کنند. در این دیدگاه جدید، ثروت هر جامعه نه بر اساس ذخایر فیزیکی، بلکه بر اساس توانایی تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات سنجیده می‌شد. این تغییر نگرش نقشی مهم در توسعه و تحول جوامع مدرن ایفا کرد و زمینه‌ساز تفاوت‌های بنیادی میان جوامع صنعتی غرب و سایر بخش‌های جهان شد.

تحولات در حوزه اندیشه اقتصادی

در این کتاب به بررسی تحولات فکری در حوزه اقتصاد خواهیم پرداخت. رویکردم در این مسیر نگاهی تاریخی است که در آن، تا حد امکان، سیر تحول مبانی فلسفی و اخلاقی‌ای را معرفی کنم که اندیشه‌های اقتصادی را شکل داده‌اند. از نظر نگارنده، به این جنبه از موضوع در بسیاری از کتاب‌های اقتصاد که به فارسی نوشته یا ترجمه شده‌اند کمتر توجه شده است. این کمبود باعث می‌شود که مبانی اقتصاد برای بسیاری از علاقه‌مندان کاملاً شناخته و درک نشود.

آدام اسمیت در کتاب مشهور خود، با عنوان ثروت ملل، ثروت هر جامعه را نه بر اساس ذخایر طلا و نقره، بلکه بر مبنای توانایی تولید کالاها و خدماتی تعریف کرد که برای رفاه و آسایش افراد عادی جامعه مفید باشد. به عبارت دیگر، ثروت در خدمت بهبود زندگی مردم عادی است، مانند تولید خوراک، پوشاک، مسکن، کتاب، دارو، آموزش، حمل و نقل و سایر کالاها و خدمات. بنابراین فرایند تولید ثروت فرایندی است که طی آن ظرفیت تولید این گونه کالاها و خدمات افزایش یابد. افرادی که در تولید این کالاها و خدمات و افزایش ظرفیت تولیدشان نقش دارند در ایجاد ثروت مؤثرند. در جوامعی که بر اساس این تعریف از ثروت سازمان می‌یابند، دانشمندان، مبتکران، مهندسان، کارگران، حسابداران، نویسندگان، معلمان، پرستاران و دیگر حرفه‌های مشابه نقش و اهمیت بیشتری دارند. این نوع سازمان اجتماعی با جوامعی که ثروت را تنها به شکل ذخایر طلا و نقره می‌شناسند متفاوت است. در جوامعی که ثروت را به شکل سنتی می‌بینند، افراد مهم کسانی هستند که در جنگ‌ها، ماجراجویی‌ها و غارت‌ها، کسب طلا و نقره و قدرت سیاسی نقش دارند، مانند جنگجویان، اشراف، درباریان و کاشفان سرزمین‌های جدید.

این تغییر الگوواره از اهمیتی مشابه با تغییرات اساسی در سایر علوم برخوردار بود. درست مثل زمانی که نیکولاس کوپرنیک با طرح نظریه خورشیدمرکزی الگوواره‌ای نوین در علم نجوم به وجود آورد و تفکر سنتی زمین‌مرکزی بطلمیوسی را به چالش کشید و در نتیجه دانشمندان توانستند جهانی تازه را در برابر دیدگان خود ببینند، جهانی که همیشه وجود داشت، اما پیش‌تر قادر به مشاهده و درک آن نبودند، از جمله کشف اقمار مشتری و مریخ.

در اقتصاد نیز تغییرات بنیادین مشابهی رخ داد. علم اقتصاد بر پایه چند الگوواره جدید شکل گرفت که در تاریخ تفکر بشر تازگی داشت. بر خلاف تصور رایج، ما هیچ نظریه اقتصادی منسوب به ارسطو یا دیگر متفکران قدیم نداریم. اگر چه ممکن است در متون قدیمی اشاره‌هایی به موضوعات مرتبط با معاش، بازرگانی، کشاورزی یا دامداری شده باشد، این‌ها را نمی‌توان نظریه‌های اقتصادی در نظر گرفت. چنین برداشتی بازتاب ذهن فردی در قرن بیستم یا بیست‌ویکم است که این مفاهیم را در

نوشته‌های قدیمی منعکس می‌بیند. هر چند ممکن است ارسطو یا سایر متفکران درباره موضوعاتی مانند معاش، خوراک یا معامله بحث کرده باشند، نظریه یا تئوری اقتصادی به معنای مدرن آن تا پیش از قرن هجدهم وجود نداشته است. الگوواره جدید اقتصاد که بخشی از میراث فکری عصر روشنگری است حول شناخت ارزش و کرامت انسانی شکل گرفته است.

برای درک اهمیت این الگوواره جدید، ضروری است به این نکته توجه کنیم در جوامعی که برای قبیله، ملت، حکومت یا نظام اصالت قائل می‌شوند، دستاوردهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاص خود شکل می‌گیرد. اما هنگامی که برای فرد، حقوق و آزادی‌های او اصالت در نظر گرفته شود، پیامدها و روش‌های سیاسی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی آن کاملاً متفاوت است. این تغییر دیدگاه دنیایی جدید را در برابر چشمان انسان می‌گشاید، همان‌گونه که تغییر الگوواره در علوم پزشکی، نجوم، شیمی و دیگر رشته‌ها دنیایی تازه را پیش روی بشریت قرار داد.

زمانی که اصالت و کرامت انسان را می‌پذیریم، ابتدا حقوق فردی به عنوان اصلی‌ترین مبنا مطرح می‌شود. سپس برای تضمین و حمایت از این حقوق، لزوم وجود قانون به میان می‌آید. قانون نیز، برای حفظ و اجرای این حقوق و بهبود شرایط زندگی فردی، به ساختار و سازمان سیاسی مشخصی نیاز دارد. بنابراین ضرورت وجود نظامی حکومتی و سیاسی که وظیفه‌اش خدمت به مردم و تنظیم روابط بین آن‌هاست مطرح می‌شود. فلسفه وجودی این نظام‌ها باید بر پایه بهروزی و سعادت مردم و نه سرکوب و انقیاد آنان باشد. در چنین چارچوبی، حکومت موظف است خدماتی مشخص و ملموس به افراد عادی جامعه یعنی مردمان کوچه و بازار ارائه کند. به همین دلیل، نظام حکومتی‌ای که قرار است حقوق فرد را حفظ و از آن حمایت کند قوانینی را برای تأمین منافع و بهره‌وری فردی تنظیم کند باید دارای ساختار و سازمانی مشخص و معین باشد. این نظام حکومتی باید به حدود حقوق طبیعی مردم و قوانین اساسی محدود باشد و تحت نظارت دقیق عمل کند، به گونه‌ای که فقط مجموعه‌ای از وظایف خاص و از پیش تعیین شده را بر عهده داشته باشد.

حال این نوع سازمان اجتماعی را با الگوواره‌هایی مقایسه کنید که برای فرد

اصالت و کرامت قائل نیستند. همان‌طور که می‌دانیم، در طول تاریخ و حتی در زمان حال، نظام‌های مختلفی وجود داشته‌اند که فرد را موجودی با ارزش ذاتی در نظر نگرفته‌اند. در چنین نظام‌هایی، فدا کردن انسان‌ها ابزاری در خدمت اهداف بزرگ‌تر یا ایدئولوژی‌های خاص است و به راحتی پذیرفته می‌شود. در این نگاه، افراد همچون گله‌هایی از موجودات در خیابان‌ها، کوچه‌ها، مزارع، دهات و جاده‌ها تصور می‌شوند که می‌توان آنان را برای اهدافی به اصطلاح متعالی هزینه کرد و از بین برد. این نوع نگرش، به طور طبیعی، نتایج و پیامدهایی متفاوت را به همراه خواهد داشت. مثلاً می‌توان به ایدئولوژی حزب نازی در آلمان اشاره کرد که هدف را در تعالی، شکوه و عظمت حکومت می‌دید، و فدا کردن افراد در این راه را امری پذیرفتنی و حتی ضروری می‌دانست؛ یا می‌توان به فلسفه نیچه توجه کرد که قربانی کردن انسان‌های عادی را برای ظهور ابرانسان یا انسان برتر لازم می‌دانست. مثالی دیگر حکومت‌های کمونیستی‌اند؛ این نظام‌ها نیز به فرد و ارزش‌های او اهمیتی نمی‌دادند و اصالت را تنها برای کل جامعه و حکومت رسمی به رسمیت می‌شناختند. در این نوع تفکر، بزرگی و شأن برای قوم، قبیله و حکومت مطرح است.

تا زمانی که این تفاوت‌ها را تشخیص ندهیم، درک بسیاری از پدیده‌های اجتماعی و دلیل ظهور بسیاری از حوادث تاریخی برای ما روشن نخواهد شد. اگر الگوواره‌های جدید را درک نکرده باشیم، نمی‌توانیم دلایل توجیهی حکومت مبتنی بر قانون اساسی و تفکیک قوا را نیز بفهمیم. این دیدگاه‌ها درباره حکومت و قانون ایده‌هایی نیستند که افرادی مانند مونتسکیو بر اساس سلیقه شخصی مطرح کرده باشند، بلکه نتیجه استنتاج از الگوواره‌هایی بودند که در محیط فرهنگی، فلسفی و فکری آن زمان و تحت تأثیر تجربه‌های دردناک تاریخ و جامعه بشری شکل گرفته بودند.

هنگامی که آقامحمدخان قاجار حکومت ایران را به دست گرفت، خود را مالک مطلق کشور می‌پنداشت. اگر او دست به اعمال خشونت‌آمیز مانند کور کردن چشم همه اهالی یک شهر یا قتل عام ساکنان آن می‌زد، این اقدامات ناشی از نگرش و چارچوب فکری متفاوت او در برابر مفهوم حکومت و قدرت بود. در آن دیدگاه، اصالت و حق تنها متعلق به حاکم بود و تصمیم او صحیح تلقی می‌شد. دیگران هیچ

اهمیتی نداشتند و به حساب نمی‌آمدند. اما اگر انسان دارای اهمیت و کرامت باشد، آن فرد عادی که کنار خیابان، در مزرعه یا کارگاه کار می‌کند، باید از حقوقی مساوی با حاکم برخوردار باشد و حقوق او محترم شمرده شود. در این صورت، روابط اجتماعی باید بر اساس قراردادی اجتماعی تنظیم شوند. حتی شکل حکومت نیز باید بر مبنای چنین قراردادی باشد تا بتوان در آن تجدیدنظر کرد و، در صورت لزوم، آن را مجدداً تدوین کرد.

در این الگوواره جدید، حکومت بر اساس قراردادی شکل می‌گیرد که در آن، مردم با هم جمع می‌شوند و چون تک‌تک آنان از ارزش انسانی برخوردارند و ارزش هیچ یک بیش از دیگری نیست، عده‌ای را انتخاب می‌کنند تا امور جمعی آنان را اداره کنند. این منتخبان اربابان مردم نیستند، بلکه از خود مردم و خدمتگزار آنانند. از آن‌جا که حکومت ماشینی پر قدرت است، طرح تفکیک قوا ضروری است تا قدرت در یک‌جا متمرکز نشود، زیرا تمرکز قدرت حقوق انسان‌ها را به مخاطره می‌اندازد. به‌خوبی مشهود است که تغییر همین الگوواره چه تأثیرات بزرگی ایجاد کرده است. به همین دلیل، امروزه اکثر جوامع دارای قانون اساسی هستند. کتاب روح القوانين مونتسکیو در سال ۱۷۴۸ میلادی منتشر شد و در ۱۷۵۱ میلادی کلیسای کاتولیک آن را به دلیل کفرآمیز بودن محکوم کرد. اما دیری نپایید که در سال ۱۷۸۷، در قانون اساسی آمریکا اصل تفکیک قوا و پیشنهادهای وی برای کنترل قدرت حکومت بازتاب یافت. پس از آن‌که مونتسکیو و دیگران این نظریه‌ها را مطرح کردند، حکومت‌هایی بر اساس قوانین اساسی شکل گرفتند و نظریه ضرورت محدودیت حکومت و تحت کنترل و نظارت بودن آن پذیرش عام یافت. اکنون در اکثر کشورها، حداقل در ظاهر، این دیدگاه‌ها پذیرفته شده است.

تغییر الگوواره در تفکر اقتصادی نیز تأثیر مشابهی داشت. این تغییر در مفهوم ثروت در قرون هفدهم و هجدهم یعنی همان عصر روشنگری و در دورانی شکل گرفت که تفکر بشر در زمینه‌های اجتماعی نیز با تحولات عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. آدام اسمیت در تغییر مفهوم ثروت نقشی بزرگ ایفا کرد و امروزه او را پایه‌گذار علم اقتصاد می‌دانند. او استاد اخلاق بود. دانشگاه‌های انگلستان آن زمان در واقع

حوزه‌های علمی دینی بودند و استادان آن‌ها عمدتاً کشیش‌ها بودند. تحولاتی که در تفکر آن دوره اتفاق افتاد، حتی در میان کشیش‌ها نیز مطرح بود. آدام اسمیت در مقام معلم اخلاق کتابی نوشت که به ثروت ملل مشهور شد. این کتاب شاید پس از منشأ گونه‌ها اثر داروین، بیش از هر کتاب دیگری به جز کتاب‌های مقدس ترجمه و منتشر شده، و به فروش رفته است.

برای درک بهتر تفاوت نتایج این دیدگاه‌ها، می‌توان به تجربه تاریخی عصر فتح‌علی شاه قاجار اشاره کرد. شاه قاجار در حالی که بر تختی باشکوه و آراسته به جواهرات و طلا جلوس می‌کرد و از منظر الگوارۀ قدیم نماد ثروت به شمار می‌رفت، در تأمین هزینه‌های سنگین دربار و معاش گسترده خاندان سلطنتی با دشواری‌های جدی روبه‌رو بود. این وضعیت، همراه با ضعف ساختار مالیۀ کشور، موجب شد توان دولت در تأمین منابع لازم برای دفاع در برابر حملات روس‌ها و تدارک ارتش به‌شدت محدود شود. بنابراین، هر چند در ظاهر شاه و دربار او مظهر ثروت به نظر می‌رسیدند، در چارچوب الگوارۀ جدید از مفهوم ثروت و کارکرد آن، دولت و کشور درواقع با فقر و ناتوانی دست به گریبان بودند.

نظریۀ اقتصادی آدام اسمیت بر مبنای مفهوم جدیدی از ثروت شکل گرفت. بر اساس این نظریه، ملتی ثروتمند است که بتواند به میزان بیشتری خوراک، پوشاک، مسکن، وسایل منزل، آموزش، بهداشت، دارو، حمل‌ونقل، کتاب، فرهنگ و هنر و سایر کالاهای خدمات تولید کند. ثروت درواقع همان ظرفیت تولید کالاهای خدماتی است که نیازهای انسان‌های عادی را تأمین می‌کند، همان انسان‌هایی که فیلسوفانی همچون مونتنسکیو پیش‌تر منزلت و حقوق اساسی‌شان را تعریف کرده بودند. این دیدگاه جدید به طور طبیعی نیازمند سازمان‌دهی متفاوتی در اقتصاد است. در چنین جوامعی، گروه‌های متعددی از جمله تولیدکنندگان، تاجران، حسابداران، مهندسان، طراحان، مدیران، صادرکنندگان، واردکنندگان، کارگران، معلمان و سایر افرادی که در فرایند تولید نقش دارند، اهمیت ویژه‌ای می‌یابند و به محور اصلی فعالیت‌های اجتماعی و ساختار مدیریتی جامعه تبدیل می‌شوند.